

ویژه نامه گرامیداشت یوم ۱۰۰ سیزده آبان



«تا ذهن مردم از شعار مرگ بر آمریکا پر است تسلط دوباره آمریکا بر این کشور ممکن نیست.» امام خامنه ای (مد ظله العالی)

سال نهم، شماره هفتم، آبان ۱۴۰۱

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان، پایگاه شهید مهدی زین الدین

سیزدهم آبان

یعنی؛ مقابله با زورگویی،
دسیسه و استکبار

حضرت امام خامنه ای (مد ظله العالی):



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صام

نشریه بسیج دانشجویی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
پایگاه شهید مهدی زین الدین

سال نهم، شماره هفتم، آبان ۱۴۰۱

بسیج دانشجویی دانشگاه شهید باهنر کرمان

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
مدیر مسئول: سید رسول حسینی نیا
سردبیر: محمد عسکری کرمانی

هیئت تحریریه: امیر محمد صالحی،
مرتضی اشرف گنجوی، محمد عسکری
کرمانی، محمد جواد جعفریان، علیرضا
رادمرد، علی غلامی طبسی و علی پور تقی

نشانی: کرمان، میدان پژوهش، دانشگاه
شهید باهنر کرمان، بسیج دانشجویی دانشگاه
شهید باهنر

نشانی اینترنتی:
Saremsbuk@gmail.com

یادداشت سردبیر



امریکا سمبل جنایت
و ستم است. ۸/۰۸/۱۲
عیدها

{محمد عسکری کرمانی}

به نام رب جلیل

حقیقت آن است که راجع به سیزده آبان و اهمیت آن مدتهاست درگیر کلیشه هاییم. گذر زمان و نبود تحلیل دقیق و عمیق به مسئله سیزده آبان، از تب و تاب و احساسات زمان بروز واقعه تسخیر سفارت کاسته، و باعث شده که نسل جدید انقلاب به طور طبیعی نتواند درکی صحیح از اهمیت وافر آن داشته باشد.

خیلی وقت است نگاهمان به سیزده آبان و روز ملی مبارزه با استکبار ستیزی خلاصه شده در برنامه های سنگواره و بی روح که اصلاً معلوم نیست هدف و راهبرد اصلی آن ها چیست؟ پر واضح است که جریان دانشجویی نتوانسته نقش کلیدی خود را در تبیین سیزده آبان و چرایی استکبار ستیزی در تاریخ انقلاب اسلامی ایفا کند.

اینکه چرا دانشجو و دانشگاه نمی خواهد بپذیرد که در حق این حقیقت تاریخی کوتاهی کرده است مبحث مفصلی است که در این مقال نمی گنجد اما در حد مختصر می توان اینگونه گفت که مسائلی همچون دانش حداقلی یا غیر جامع از این مسئله مهم باعث شده است تا پدیده چند بعدی و نمادینی مثل واقعه تسخیر سفارت امروزه تنها در موزه تاریخ جا خوش کرده باشد و آن طور که باید و شاید بدان توجه نشود.

در این شماره از نشریه صام بر آن شدیم تا نگاهی متباین و بر آمده از جریان دانشجویی نسبت به سیزده آبان داشته باشیم. از این رو شما خواننده محترم را به تورق این ویژه نامه دعوت نموده و درخواست داریم تا با همکاری خود و یا ارائه انتقادات و پیشنهادات راهگشای خود ما را در مسیر اعتلای نشریه و نیز تعمیق بخشی فهم جامعه مخاطب و آکادمیک خود یاری رسانید. امید آنکه روزی نگاهمان به جریان استکبار ستیزی و روز سیزده آبان تغییر کند.

سیزده آبان در آینه کلام مقام معظم رهبری

{محمد جواد جعفریان}



طرف قضیه هم دولت مستکبر آمریکاست. بنابراین یک مبارزه‌ای بین نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی و ملت ایران با این حکومت مستکبر آمریکا از طرف دیگر در جریان است. ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

سیزدهم آبان یک روز تاریخی است، هم تاریخی است، هم تجربه‌اندوز و تجربه‌آموز است. تاریخی است یعنی اینکه در این روز حوادثی اتفاق افتاده که در تاریخ ماندنی است این حوادث فراموش شدنی نیست، نباید هم فراموش بشود. تجربه‌آموز است چون به خاطر همین حوادث، یک واکنشهایی به وجود آمده است که آن واکنشها برای ما، برای آینده‌ی کشور، برای آینده‌ی عمرخودتان، برای آینده‌ی ملتتان درس است.

از این تجربه‌ها استفاده کنید. آینده مال شماهاست دیگر. این روز هم تجسم شرارت آمریکاست، هم تجسم ضربه خوردن آمریکاست، هم مغلوب شدن آمریکاست، یعنی این کسانی که خیال میکنند آمریکا یک قدرت دست نخوردنی است، به حوادث این روز که نگاه کنیم، معلوم میشود نه، کاملاً آسیب پذیر است. ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

سفارت آمریکا که مرکز جاسوسی بود، در واقع سیلی سخت جوانان ایرانی بود به آن دولت و قدرت زور گو و مداخله گری که سالهای متمادی کشور ما و ملت ما و منابع ما را در مشقت خود می فشرد. ۱۳۸۶/۰۸/۰۹

روز سیزده آبان به خودی خود با روزهای قبل و روزهای بعد تفاوتی ندارد؛ اما یک نماد است. نماد یعنی چه؟ یعنی یک رمزی که پشت سر خود، در دل خود، معانی فراوانی نهفته دارد. انسان یک کلمه بر زبان می‌آورد، معانی و حقایق بسیاری در دل این کلمه هست؛ سیزده آبان از این قبیل است. این روز یک نماد است و عقبه‌ی وسیعی دارد از مطالب مهم، مسائل مهم؛ مسائلی که به هیچ وجه تاریخی نیستند، بلکه مسائل امروز ما هم به حساب می آیند.

سیزدهم آبان در حقیقت به معنای واقعی کلمه یکی از ایام الله است. ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

سیزده آبان حامل سه حادثه‌ی تاریخی است؛ تبعید امام در سال ۴۳، کشتار دانش‌آموزان نوجوان در سال ۵۷، و سرانجام تسخیر لانه‌ی جاسوسی در سال ۵۸. در هر سه حادثه، یک طرف ملت ایران است، احساسات مردم است، مظهر مبارزه یعنی امام بزرگوار است و مردم ایران؛ یک

سیزده آبان، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی یاد آور سه حادثه و حماسه بزرگ در ایران است که رهبر معظم انقلاب در بیانات خود بارها به دستاورد ها و ویژگی های این روز اشاره داشته اند. بی شک بررسی این واقعه از دیدگاه رهبری انقلاب زوایای جدیدی از این رخداد تاریخی را بر ما نمایان خواهد کرد.

در ادامه واقعه ۱۳ آبان از منظر رهبری ارائه شده است.

روز سیزدهم آبان به لحاظ التقای سه حادثه ی تاریخی که به شکل عجیبی به هم وصلند، روز مهمی در تاریخ ماست. ۱۳۷۱/۰۸/۱۳

روز سیزدهم آبان به عنوان یک عید شناخته نمی شود؛ اما به عنوان یک روز ملی شناخته می شود. یادبودها و خاطره‌هایی که در طول سال، ملت ها آنها را به عنوان روز ملی یا جشن ملی بزرگ می شمارند، باید در خود مضمونی نهفته داشته باشند. هرچه این مضمون عمیق تر باشد، آن روز برای آن ملت از جنبه نمادین اهمیت بیشتری دارد. با این حساب، روز سیزدهم آبان حقیقتاً یک روز مهم است. ۱۳۸۱/۰۸/۱۳

حقیقت این است که حادثه ی تصرف

جستاری کوتاه پیرامون اسناد کشف شده در سفارت ایالات متحده آمریکا

گرگی در لباس می‌ش

{ مرتضی اشرف گنجوی }



یکی از دستاورد های تسخیر سفارت جاسوسی آمریکا کشف و افشای اسنادی بود که این سفارت خانه جاسوسی در خود جای داده بود که شامل تعامل و اختلاف نظر سازمان های امنیتی (سازمان سیا) نظامی (پنتاگون) و سیاسی (وزارت امور خارجه) آمریکا بود. همچنین این اسناد دارای محتوای شیوه های اعمال نفوذ و مداخله در امور ایران و دیگر کشورها برای کسب منافع حداکثری آمریکا در آن زمان بود و اسامی بسیاری از عوامل و رابطین آمریکا و انواع شیوه های جاسوسی و تحرکات سیاسی این کشور را در مناطق مختلف جهان افشا می کرد. اما عمده این سندها درباره اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی و مسائل داخلی ایران بود.

حال این مبحث مهم پیش می آید که چرا اسناد به دست آمده از سفارت جاسوسی سفارت آمریکا اهمیت دارد؟ زیرا اولاً این اسناد برای اولین بار کشف شد و بزرگ ترین دستاوردش این است که سیاست پنهان آمریکا در ایران را آشکار می کند. یعنی این اسناد به ما نشان می دهد که آمریکایی ها در پیش خودشان در مورد تحولات ایران چه جور فکری می کردند و چه نوع رفتاری برای ارتباط گیری با ایرانی هایی که در ایران زندگی میکردند استفاده می کردند. حوزه ی تحت نفوذ سازمان سیا نیز در سفارت جاسوسی آمریکا در تهران مستقر بود. یعنی در واقع

تهران یک مرکزی بوده برای پوشش منطقه ای سازمان سیا و نه فقط ایران، که پاکستان، عراق، کویت، عربستان و شوروی را هم پوشش می داده است. یعنی این مکان یک فضایی بوده که کل این منطقه را با منابع اطلاعاتی اش سازمان دهی کرده است. بدین حال این اسناد چون آن قسمت مخفی قصه را و سیاست عملی را نشان می دهد، از این نظر به پژوهشگران کمک می کند که روایت آن طرف ماجرا را هم داشته باشند.

بخش حائز اهمیت از اسناد که در رابطه با دیدار نماینده سفارت امریکا و دیپلمات امریکایی با شهید بهشتی است که باعث به وجود آمدن شایعات زیادی در رابطه با تعامل شهید بهشتی با مامورین سفارت آمریکا بر سر زبان ها آمد در حالی که خود آمریکایی ها درخواست دیدار با شهید بهشتی را داشتند و بدان منظور چنین درخواست هایی داشتند که در پاییز و زمستان سال ۱۳۵۷ متوجه شدند که رژیم سیاسی شاه قابلیت حیات خود را از دست داده و در حال مرگ است و به دنبال ارتباط و تعامل جدی تری با نیرو های سیاسی ایران زمان انقلاب بودند تا فهم کامل تری نسبت به نیروهای سیاسی ان زمان پیدا کنند و این هم بدان جهت بود کدام نیروی سیاسی توان جمع شدن با منافع آن ها را دارد و می تواند منافع امریکا را در ایران و دیگر کشور ها پیش ببرد و تامین کند.

بخشی از اسناد کشف شده در سفارت جاسوسی آمریکا در رابطه با دیدار های

مامورین آمریکایی و شهید بهشتی که توسط موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی منتشر شد به شرح زیر است:

اولین سند اشاره به آخرین روزهای اسفند ۵۷ داشت که دیداری بین شهید بهشتی و نماینده سفارت برگزار شده بود. در بخشی از متن گزارش سفارت آمریکا به وضوح مواضع شهید بهشتی آمده است «بهشتی گفت شاید مردم ایران مطالب زیادی نخوانده باشند، ولی بسیار شنیده اند و به خوبی می فهمند که آمریکا شاه را در همه این سالها بر سر قدرت نگاه داشت. سیاست های آمریکا برای مبارزین اسلامی در دسرهای زیادی ایجاد کرده است. دومین سند مربوط به پاسخهای مکتوب شهید بهشتی به سوالات سفارت آمریکا در اردیبهشت ۵۸ است. او در پاسخ به سوالی درباره روابط خارجی انقلاب نوشته بود «ایران می خواهد که دنیای خارج به ضدانقلابیون کمک نکرده و در امور داخلی ایران دخالت نکند. ما چیز بیشتری نمی خواهیم نه از آمریکا و نه از شوروی.»

سومین سند مربوط به آخرین روزهای فعالیت سفارت آمریکا در ایران است. لینکن کاردار سفارت و یکی دیگر از دیپلماتهای آمریکایی در ساختمان مجلس خبرگان قانون اساسی، با آیت الله بهشتی دیدار می کنند. این سند، همان سندی است که نشریه منافقین سال ۵۹ کپی ترجمه غیردقیق آن را منتشر کرده بود. شهید بهشتی در این ملاقات در برابر ابراز حسن نیت طرف آمریکایی، بر دغدغه های مهم ایران مثل حمایت های آمریکا از شاه پیش

از پیروزی و اکنون که او فراری است سخن گفته و تاکید کرده بود با توجه به روابط خوب آمریکایی ها با ارتشی های دوران شاه، اگر تلاشی برای کودتا صورت گیرد، ما آمریکا را مسئول آن می دانیم. این اسناد مذکور به صراحت نشان داده که منافقین به دنبال مخدوش کردن چهره عمومی شهید بهشتی که شخصی برجسته و انقلابی بود که به دنبال استقلال و آزادی کشورش و مردم ایران از جریان غرق کننده استکبار بود و این حرکت منافقین بدین جهت بود که بتوانند منافع خویش را در کشور تامین کنند که این منافع جدا و متضاد از خواسته ها و نیاز های مردم بود.

در بخش دیگری از اسناد کشف شده از سفارت جاسوسی امریکا بخشی از فعالیت های سفارت خارجه و آمریکا روایت شده از جمله دخالت مستقیم در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به برکناری دکتر مصدق و دولت وی انجامید و راه را برای سلطنت شاه گشود.

از دیگر فعالیت های سفارت امریکا برای تثبیت دیکتاتوری پهلوی جمع آوری اطلاعات از مخالفان سلطنت پهلوی و تلاش در جهت مقابله با آنها بود. که در ادامه زمینه شکل گیری ساواک را رقم زد بود. یکی دیگر از اقدامات سفارت آمریکا در جهت تثبیت دیکتاتوری پهلوی، برنامه ریزی

برای روی کار آمدن دولت نظامی در ایران بود. سفارت آمریکا اعتقاد داشت در روزهای پایانی حکومت پهلوی، باید از دولت نظامی بهره برد تا از قدرت یابی انقلابیون و مردم جلوگیری شود از این رو بدون مشورت با شاه، این موضوع را از واشنگتن پیگیر شد و مقدمات آن را فراهم کرد. در باب سایر فعالیت های کشف شده از اسناد سفارت جاسوسی امریکا می توان به حمایت از حزب خلق مسلمان از طرف سفارت نام برد که به هدف ایجاد شکاف در نهضت اسلامی و تضعیف آن بوده تا جریانات فکری دیگر توان نشر عقاید خود را پیدا کنند و این هم در جهت پیش برد منافع امریکا طراحی شده بود تا نیروی سیاسی مورد نیاز برای تامین منافع امریکا کشف و تقویت شود.

در ادامه می توان با بررسی اسناد سفارت جاسوسی امریکا که بر جای مانده است به این نتیجه رسید که آمریکا از همه ابزارهایش برای نفوذ فرهنگی در مدارس ایران بهره جست؛ چرا که اعتقاد داشت با تربیت و پرورش شخصیت هایی که در آینده می توانند در ایران به پست و مقامی برسند، می توانند آینده منافع خود را تضمین کرده و افرادی را رشد دهند که در ارتباط با آمریکا و ارزش های سیاسی و فرهنگی این کشور باشند. به همین منظور از هیچ تلاشی در راستای نفوذ در مدارس ایران دریغ نکرد و

سعی داشت از این طریق به اهداف از قبیل: تغییر ارزش ها و آرمان های اسلامی و ایرانی، دگردیسی در سبک زندگی ایرانیان، ترویج زبان انگلیسی، سازماندهی معلمین در راستای اهداف خویش و از بین بردن روحیه ضدآمریکایی در دانش آموزان دست یابد. حال می توان حتی به این مبحث اشاره کرد که بر اساس اسناد سفارت جاسوسی آمریکا، محمدرضا پهلوی توسط مستشاران نظامی آمریکایی ارتش را در جهت منافع آمریکا طرح ریزی کرده و متناسب با خواست آمریکایی ها سیستم های اطلاعاتی وسیع در آن پیاده کرده بود. از سوی دیگر نیز مستشاران آمریکایی مستقیماً ارتش را زیر نظر و کنترل خود در آورده بودند؛ آمریکا در حقیقت ارتشی ساخته بود که به جای دفاع از منافع ملت ایران و به جای دفاع ایران می خواست برای دفاع از منافع او در منطقه باشد و در مقابل مردم عمل می کرد. در حقیقت ارتش ایران در زمان پهلوی دوم جزئی از نیروی نظامی امریکا بود که مجهز به آخرین جنگ افزارهای امریکایی مثل هوپایما های اف ۱۴ و اف ۱۵ بود که حتی برخی از آنها تنها در ارتش خود آمریکا یافت می شد. درکل می توان گفت که آموزش و استقرار سیستم های اطلاعاتی وسیع در ارتش صرفاً در جهت منافع مستقیم آمریکا بوده است.



● دانشجویان مسلمان پیرو امام: ملت مسلمان ایران، بی‌تایید به ندای امام پاسخ دهید که می‌گوید: «بی‌تایید متحد شویم و دست جنایتکاران چپ و راست را که در رأس آن آمریکاست قطع کنیم»
● مجاهدین انقلاب: آمریکای جنایتکار باید بداند که تا یک قطره خون در رگ توده‌های مسلمان بریزد جوانان انقلابی پیرو مشی‌ام جریان دارد چاولگریها و سلطه‌طلبی‌های او و دیگر امپریالیست‌ها در این خاک امکان تکرار نخواهد داشت.
● حزب جمهوری اسلامی: این واقعیت انقلاب ماست که حضور انقلابی خود را علیه منافع امپریالیزم در هر صحنه ابراز می‌دارد
● حوزه علمیه قم: این صدای رعد آسای ملت علیه آمریکاست.

ضد انقلاب یک اتوبوس را در ارومیه منفجر کرد
کارکنان سفارت اسناد محرمانه را در آتش سوزاندند

کردها نباید روی کمکهای فعلی صدام حسین حساب کنند
● اساس حکومت در اسلام شور است
● اسامی یک روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد؟
● آمریکا و شوروی
● اسامی یک روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد؟
● اسامی یک روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد؟

جمهوری اسلامی
دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ - شماره ۱۲۹
تیرماه ۱۳۵۸

ژنرال جاب به ایران می‌آید
دکتر بزرگ در گفتگوی تلویزیونی با جمهوری اسلامی

مطالبات اراضی موات بی اعتبار شد
● کلیه اوراق و اسنادی که از بابت معاملات زمین موات و یا تضمین آن ردیوسل شده است از درجه اعتبار ساقط می‌باشد
● مصاحبه جمهوری اسلامی با علی گلزاده غفوری، اسلام کافیه و زهرا رهنورد
● ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران

اشغال انقلابی سفارت آمریکا

● بهشتی: جوانان بی‌ایمان بیش از...

{ علی غلامی طبسی }

فاتحان سفارت

مطالعه ای بر سرگذشت دانشجویان پیرو خط امام (ره)

در این نوشتار بر آن شدیم تا شرح مختصری از فاتحین سفارت آمریکا که خود را «دانشجویان پیرو خط امام (ره)» معرفی می نمودند ارائه دهیم.

۱- ابراهیم اصغرزاده: در سال ۱۳۳۴ در خاش (سیستان بلوچستان) در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. وی با رشته برق وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و با مدرک مهندسی صنایع از دانشگاه شریف خارج شد. بعدها تحصیلات خود را تا مدرک دکترا در رشته ی علوم سیاسی در دانشگاه تهران ادامه داد. گرایش سیاسی او اصلاح طلبی است. همسر ایشان طاهره رضازاده است که در ماجرای تسخیر سفارت وجود داشته و نماینده ششمین دوره مجلس شورای اسلامی شهر شیراز بوده است. اصغرزاده از رهبران دانشجویان پیروان خط امام بود و از بنیانگذاران دفتر تحکیم وحدت است او سابقه نمایندگی

سومین دوره مجلس شورای اسلامی شهر تهران را در کنار عضو نخستین دوره شورای اسلامی شهر تهران را در کارنامه دارد. او طراح اصلی تسخیر سفارت آمریکا بود.

۲- رضا سیف اللهی: آقای یوسف رضا سیف اللهی متولد سال ۱۳۳۶ در اصفهان است. ایشان پیش از انقلاب در رشته فیزیک دانشگاه شریف تحصیل کرد و همزمان با آن در مدرسه حقانی به تحصیل حوزوی پرداخت وی دومین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ بود. سیف اللهی از موسسین سپاه اصفهان و جهاد سازندگی این استان است. در ماجرای ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ایشان عضو شورای مرکزی دانشجویان بودند.

۳- محسن میردامادی: محسن میردامادی نجف‌آبادی زاده نجف آباد اصفهان در سال ۱۳۳۴ است. در سال ۱۳۵۲ برای تحصیل

و معاون مهندسی، پژوهش و فناوری وزارت نفت را دارد. در سال ۱۳۵۸ عضو شورای رهبری شش نفره دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود.

۵- محمد نعیمی پور: او در سال ۱۳۳۴ در پایتخت متولد شد. مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه صنعتی شریف گرفت. حزب سیاسی او جبهه مشارکت است. او نماینده ششمین دوره مجلس اسلامی شهر تهران بوده است. او عضو شورای بازو و از روابط عمومی تسخیر کنندگان در ۱۳ آبان بود.

۶- محمدرضا خاتمی: سید محمد رضا خاتمی زاده ۱۳۳۸ در اردکان یزد است. فرزند روح الله (نماینده امام خمینی(ره) در یزد) و برادر محمد (رئیس جمهور اسبق) است. همسر او نوه ی امام خمینی(ره) زهرا اشراقی است. آقا سید محمدرضا فوق تخصص نفرو لوژی (بیماری های کلیوی) از دانشگاه تهران است و تجربه کار پزشکی در ایران و انگلیس را داراست. در سوابق کاری او معاونت وزارت بهداشت، نماینده دوره ششم مجلس شورای اسلامی تهران ،سخنگوی مجلس ونایب رئیس مجلس ششم و همچنین دبیر کلی جبهه مشارکت اسلامی دیده می شود. او از شورای بازو و روابط عمومی فاتحان سفارت بود.

۷- محسن امین زاده: زاده ۱۳۳۶ در مشهد است. دوره کارشناسی مهندسی معدن را از دانشگاه صنعتی امیرکبیر پلی تکنیک تهران گرفته و کارشناسی ارشد علوم سیاسی خود را از دانشگاه شهید بهشتی و در مقطع دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل (البته به علل سیاسی ممانعت از اتمام شده) شده است. امین زاده جزو دیپلمات های اصلاح طلب است. او مشاور بین الملل نخست وزیر، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون وزیر خارجه در

دوره ی خاتمی بوده است. ایشان هم جزو شورای بازو و روابط عمومی دانشجویان در لانه ی جاسوسی بوده است.

۸- معصومه ابتکار: خانم معصومه ابتکار (نیلوفر ابتکار) متولد ۱۳۳۹ در تهران است. او با رشته مهندسی پتروشیمی در دانشگاه پلی تکنیک کار تحصیل خود را در دانشگاه شروع کرد ولی تغییر رشته داد و کارشناسی خود را از دانشگاه شهید بهشتی در رشته تکنولوژی پزشکی و کارشناسی ارشد دکترای خود را از دانشگاه تربیت مدرس در رشته ایمنی شناسی گرفت. گرایش سیاسی او اصلاح طلب و جزو جبهه مشارکت ایران اسلامی است. همسر وی سید محمد هاشمی است که در تسخیر سفارت هم جزو شورای بازو بود. او سابقه عضویت شورای اسلامی شهر تهران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲، ریاست سازمان حفاظت محیط زیست ایران در دوره سید محمد خاتمی و حسن روحانی و همچنین معاونت امور زنان و خانواده در زمان حسن روحانی را در کارنامه کاری خود دارد. وی در ماجرای ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ کار روابط عمومی و ترجمه و سخنگوی انگلیسی را بر عهده داشت. وی در این ماجرا به خواهر مری معروف بود.

۹- مرحوم حسین شیخ الاسلام: زاده ۱۳۳۱ در اصفهان سیاستمداری ایرانی است. او در کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا دانشگاه های کالیفرنیا، بروکلی و شهید بهشتی فارغ التحصیل شده است. وی مسئولیت سفیر ایران در سوریه همچنین نماینده هفتمین مجلس شورای اسلامی تهران را داشته است. او از اعضای شورای بازو و بررسی کننده اسناد به دست آمده و همچنین مترجم و سخنگو در تسخیر سفارت آمریکا بوده است. حسین شیخ الاسلام در سال ۱۳۹۸

بر اثر کرونا درگذشت.

۱۰- شهید سید حسین علم الهدی: ایشان متولد ۱۳۳۷ در اهواز است. زمان قبل و بعد انقلاب فرمانده سپاه هویزه در جنگ ایران و عراق بود. در رشته تاریخ رشته مورد علاقه اش بود در دانشگاه فردوسی مشهد قبول شد. پس از متشنج شدن اوضاع دانشگاه او به اهواز بازگشت. سید حسین اگرچه مستقیماً در تسخیر لانه جاسوسی نقش نداشت؛ اما همکاری مستقیم او با واحد بررسی و انتشار اسناد سبب شد تا او را نیز از دانشجویان پیرو خط امام بخوانند. حسین علم الهدی در عملیاتی معروف به هویزه مورد اصابت گلوله تانک قرار می گیرد و شهید می شود.

۱۲- شهید محسن وزوایی: محسن وزوایی متولد ۱۳۳۹ در تهران بود. در رشته شیمی دانشگاه صنعتی شریف تحصیل کرد. وی فرماندهی تیپ ۱۰ سیدالشهدا را بر عهده داشت. او در تسخیر سفارت مشارکت داشته و با داشتن تسلط به زبان انگلیسی در نقش سخنگوی دانشجویان پیرو خط امام در دوران اشغال سفارت ظاهر شد. شهید وزوایی در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس هنگام هدایت نیروهایش بر اثر اصابت گلوله مستقیم و ترکش از ناحیه ران به شهادت رسید.

۱۳- شهید حسین شوریده: زاده ۱۳۳۵ در گناباد بود. در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد و فعالیت های خود را همزمان با تحصیل انجام می داد و مدرک کارشناسی خود را گرفت. او در واحد اطلاعات لانه جاسوسی آمریکا مشغول کار بود.

شهید حسین شوریده در سال ۱۳۶۱ در عملیات بیت المقدس منطقه شلمچه به شهادت رسید.

نقدی بر حرف تا عمل جمعی از مسئولین...

آمریکاستیزی «پوشالی»

{ علی پورتقی؛ سردبیر سابق صارم }



اگر بخواهیم انقلاب اسلامی ایران را به عنوان یکی از انقلابهای شاخص و جریان ساز در تاریخ جهان به لحاظ ایدئولوژیک موشکافی و به عبارتی تعریف کنیم؛ بدون شک شاخصه «استکبار ستیزی» از جمله شاخصه های اصلی می باشد که به نوعی می توان گفت جهانیان با آن مؤلفه است که این انقلاب را می شناسند. سوال اینجاست که استکبار ستیزی در منظر جمهوری اسلامی دقیقاً به چه معناست؟ چه چیز باعث شد تا این شور چند ده ساله علیه ایالات متحده آمریکا و سایر قدرتهای غربی در ایران پا بگیرد و رشد کند؟ استکبار که واژه ای برگرفته از قرآن کریم، پایه گرفته از قاعده دینی نفی سبیل و در لغت به معنای تکبر ورزیدن و خودبزرگ بینی است را می توان برای افراد، گروه ها و دولتها به کار برد که در اینجا منظور دقیق از استکبار ورز دولت ایالات متحده است. بر همگان آشکار است که چگونه این کشور در طول سالیان کوتاه حیات خود تا به امروز سعی در فرمالیته سازی نظم بین المللی و دخالت در امور سایر کشورها داشته است تا به زعم خود منافع لازم را از این طریق تأمین سازد و نهایتاً همین دخالتهای بی حد و حصر در قالب اشکالی همچون کاپیتولاسیون و جاسوسی و وابسته سازی و ... بود که چراغهای نخستین را برای انقلاب اسلامی روشن کرد. بنابر این استکبار ستیزی

در منظر جمهوری اسلامی یعنی نه به زورگویی، نه به تحمیل و نه به یکجانبه گرایی قدرتها و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا علیه ایران. اما لازم است بحث های نظری و تاریخی را کنار بگذاریم و به امروز جمهوری اسلامی برگردیم. با نگاهی اجمالی در می یابیم که استکبار ستیزی همچنان رکن اصلی از ارکان چرخ دنده ی نظام فکری سیستم است. شرایط روابط امروز ایران و آمریکا اصلاً با دوران پهلوی قابل مقایسه نیست و دیگر اثری از آن زورگویی و تکبر ورزی کلاسیک یانکی ها را در قبال ایران نمی توان دید. هر چند باید گفت که به بن بست خوردن تلاشهایشان برای تکرار آن زورگویی سنتی به شکل جدیدی از استکبار در قالب تحریم ها و تهدیدها منجر شده اما این زورگویی های جدید بیشتر شبیه به نمایش یک تابلوی بزرگ «اعلام عجز در مقابل اراده ملت ایران» است. مقدمات را گفتیم اما نتیجه چیست؟ هر سیستم برای بقای خود نیاز به جذب فیدبک ها و بازخوردها دارد؛ پس نقد «صحیح» سیستم نه یک عنصر نامطلوب بلکه یک عنصر حیاتی برای آن می باشد. اگر بخواهیم در این زمینه خاص، استکبار ستیزی جمهوری اسلامی ایران را نقد کنیم، معضل اساسی که به چشم می خورد تناقض گفته و عمل برخی مسئولین است. اگر آمریکا را شیطان بزرگ میخوانیم پس نباید تابعیت

جنگجوهای پشیمان شده

{ امیر محمد صالحی }



پس از تسخیر سفارت ایالات متحده آمریکا عده ای از تسخیر کنندگان از این عمل پشیمان شدند. پشیمانی کسانی که در تسخیر سفارت آمریکا در تهران نقش داشتند، از همان شب ۱۳ آبان آغاز شد. حاتم قادری و جواد مظفر دو دانشجوی دانشگاه ملی به دلیل حمایت امام از حرکت دانشجویان از لانه خارج شدند. سه روز بعد چند دانشجوی دیگر نیز با بیان این که هرچند تسخیر، یک حرکت ضدامپریالیستی است، اما این راه مبارزه با امپریالیسم نیست! از لانه خارج شدند. این افراد جواد مظفر و حاتم قادری که همان اوایل پشیمان شدند و بعد ها عباس زرییاف، ابراهیم اصغرزاده ، عباس عبدی ، و معصومه ابتکار هستند. که در بین همه این پشیمانی ها عذرخواهی از سوی ابراهیم اصغر زاده که عنصر اصلی تسخیر سفارت آمریکا محسوب میشد بسیار قابل توجه است. وی به علت پشیمانی خود از تسخیر سفارت آمریکا در ایران اشاره وتصریح کرده بود: که ما میخواستیم فقط ۴۸ ساعت سفارت را نگه داریم اما اینکه شما این موضوع را مقدس می کنید و فکر می کنید که ما باید تا ابد شعار مرگ بر آمریکا بدهیم را قبول ندارم و من این نکته را از مجلس ششم قبول نداشتم. یکی دیگر از پشیمانان عباس عبدی بود که در مصاحبه با باری روزن افسر مطبوعاتی سفارت آمریکا گفته بود: گروگانگیری را اشتباه می داند و متأسف است که بخشی از این رویداد است و اینگونه پشیمانی خود را از تسخیر سفارت آمریکا در ایران اعلام کرده بود. نفر سوم عباس زرییاف بود که سال ۱۳۵۸ وارد سازمان مجاهدین خلق شد و در چهارمین روز عملیات مرصاد کشته شد. نفر چهارم و پنجم، حبیب الله بی طرف و معصومه ابتکار بودند که به طور غیر مستقیم در رگه های فکری و سیاسی حزبی نمود پیدا می کنند. در رابطه با این پشیمانی ها رهبر معظم انقلاب در دیداری که با خانواده شهید ییلاقی داشتند به تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام (ره) اشاره و فرمودند: جوان نسل اول، کسانی بودند که از روی احساسات، از روی هیجان آکار کردند؛ احساسات بود، احساسات خوبی هم بود و همان احساسات کار کرد، یعنی یک نظام کهن را سرنگون کرد و اسلام را رو آورد؛ این را ما کوچک نمی گیریم، اما غالباً دانه دانه افراد نمی گویم همه از روی احساسات لانه جاسوسی را آن روز رفتند و با شجاعت تمام گرفتند، اما بعدا رفتند با آمریکایی ها صحبت کردند و عذرخواهی کردند؛ این ناشی از چیست؟ ناشی از کم عمق بودن آن انگیزه است. آن انگیزه متکی به یک زیرساخت محکم نبود؛ انگیز بود، اما زیر ساختش محکم نبود. شرارت ها بررسی کنیم.

انقلاب دوم

{ علیرضا رادمرد }



میوه انقلاب به ثمر رسیده بود و هر لحظه زمزمه های توطئه دشمنان به گوش می رسید. دانشگاه میدان جنگی بود برای جوانان انقلابی ؛ جوانانی با داشتن تیپ و منش های متفاوت و متمایز. آمریکایی ها در پی برنامه ریزی وسودای کودتاهای همچون کودتا ۲۸ مرداد بودند. در آن روز ها توطئه های آمریکا علیه انقلاب اسلامی شروع شده بود و بعد از تسخیر سفارت، اسناد کشف شده تلاش واشنگتنن برای شکست انقلاب را افشا کرده بود. در این اثنا جمعی از جوانان مسلمان متمایل به حزب جمهوری اسلامی به فکر انقلابی بزرگتر از انقلاب اول بودند که به تعبیر امام از آن به عنوان انقلاب دوم یاد می شود. انقلاب دوم انقلاب آخر مردم ایران بود. در بحبوحه اتفاقات آبان ماه سال ۵۸ امام به ایراد سخنرانی پرداختند و فرمودند: بر دانش آموزان، دانشگاهیان، و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد شاه مخلوع جنایتکار نمایندو این توطئه بزرگ دشمن را بار دیگر شدیداً محکوم کنند. دانشجویان با شنیدن این جملات چراغ سبز امام را دریافت کرده وبا شور وافری نسبت به تسخیر و اشغال لانه جاسوسی اقدام کردند. رهنمود های امام در بزنگاه های تاریخ همیشه راهگشا دانشگاهیان بود. مکانی که در ظاهر نام سفارت را به دوش می کشید اما در بطن آن چیزی جز خیانت به ملت ایران و استکبار نمایان نمی شد. انقلاب اسلامی به شدت ایالات متحده آمریکا را عصبانی کرده بود زیرا ایران ژاندارم آنها در منطقه بود. هرگاه با دید نخبگانی به مبانی و بنیان های گفتمان امام رجوع می شود برای خواص جامعه و حلقه های میانی به وضوح نمایان می شود که دانشجویان نقش کثیری در برون رفت از مشکلات را ایفا می کنند. ۱۳ آبان تداعی کننده آزادی ملت ایران از دست استکبار بزرگ می باشد. دانشجو به عنوان موتور متحرک جامعه و با دید نخبگانی باعث پیشرفت کشور و سینه سپر کردن در مقابل جنایتکاران تاریخ می باشد. خداوند منان را شکر می گویم که ملت ایران با بصیرت، درس های بزرگی از انقلاب باشکوه و رهبر فرزانه خویش آموخت و روز به روز با تحقق وعده های الهی و گفتار و کردار و ایمان آنها به حقانیت بودن این انقلاب بیشتر می شود و پایه ها و ستون های آن را پایه گذاری می کنند.



گفتگوی از جنس ۱۳ آبان با دکتر علی غلامعلی پور

{ علی غلامی - امیر محمد صالحی }

با عرض سلام خدمت استاد عزیز... اول از همه خودتان را معرفی بفرمایید.

- بسم الله الرحمن الرحيم عرض سلام دارم بنده علی غلامعلی مشهور به علی غلامعلی پور هستم. دکترای حقوق بین الملل دارم و دانشگاه امام صادق (ع) درس خواندم و اکنون عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور کرمان هستم.

- ممنونم. بریم سراغ بحث اصلی مان. اول این که گذری به این تاریخ و مناسبت مورد اشاره داشته باشیم -۱۳ آبان را تبریک می گویم هم به دانش آموزان عزیز هم به طرفداران امام (ره) که امام در این روز تبعید شد به ترکیه و هم به آن هایی که ضد استکبارند چون ۱۳ آبان دانشجویمان به سفارت آمریکا حمله کردند و لانه ی فساد ی بود که دانشجویان به آن ورود کردند و آنرا پیروزمندانه فتح کردند.

- در بحث تسخیر لانه جاسوسی به

نظر شما اگر لانه جاسوسی تسخیر نمی شد چه اتفاقاتی می افتاد؟

- اگر ورود نمی شد حتماً اتفاق دیگه ای می افتاد و این که امام فرمودند اشغال لانه جاسوسی انقلاب دوم است و از انقلاب اول مهم تر بخاطر همین بود. چون آمریکا در این حدودا یک سالی که داشت کار می کرد فقط به گروه های مختلفی که در کردستان یا شمال یا کرمانشاه بودند مثل کومله ها کمک مالی می کرد یا مثلاً خط های لوله گاز را منفجر می کرد یا ناامنی و بی ثباتی در کشور ایجاد می کرد مثلاً کودتای نوژه را سامان دادند که مخربی می کردند به هرحال چون ایران ژاندارم منطقه و گوش به فرمان آن ها بود. ایران از لحاظ ذخایر نفتی و گازی جایگاه خیلی بالایی داشته و دارد. از لحاظ ژئوپولیتیکی نیز در محل حساسی است. ایرانی که در دست آن ها بود متحد اسرائیل بود که به مانند بچه ی لوس و نر

بود و مطمئن بودند آمریکا همچنان همین گونه رفتار خواهد کرد.

روایت بفرمایید که چه اتفاقاتی افتاد؟

جریان از این قرار بود که تمام دانشجویان تهران شورایی درست کردند و چون امام آن موقع در قم تشریف داشتند سه نماینده مشخص کرده بودند که اگر دانشجویان به امام دسترسی ندارند، به این ها مراجعه کنند. آقای موسوی خویینی ها و آیت الله خامنه ای (رهبر فعلی) جزوی از این نمایندگان بودند. دانشجویان به آیت الله خامنه ای دسترسی نداشتند چون ایشان به حج رفته بودند با آقای حجت الاسلام موسوی خویینی ها رفتند و صحبت کردند که ما نگرانیم و می ترسیم و ممکن است آمریکا کاری انجام بدهد و تمام زحمات ما را به باد بدهد. ما نظرمات این است که سفارت آمریکا را اشغال کنیم. الان امام در قم هستند. شما نظراتان چیست و ما چه کنیم؟ آقای موسوی خویینی ها گفتند که شما بروید و اشغال کنید بعد اگر امام مخالفت کرد شما سریع خارج شوید و اگر تأییدتان کرد شما به کارتان برسید. زمانی که آقای موسوی خویینی ها با امام تماس گرفتند حضرت امام در حال خواندن نماز بودند که با سید احمد آقا صحبت کردند و بعد که ایشان اصرار کردند که مسئله مسئله ی مهمی است و باید امام متوجه بشوند و در جریان قرار بگیرند بین دو نماز به امام گفتند و امام در جواب فرمودند که دانشجویان کار خوبی کردند و انقلاب دوم همین است چون این اقدام باعث می شد که دست آمریکا کوتاه بشود و بعد حضرت امام سخنرانی داشتند و فرمودند که الان بچه های انقلابی رفتند و سفارت آمریکا رو اشغال کردند و این انقلاب دوم است و همین جا جمله کلیدی آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند را فرمودند.

این مسائل را چگونه تحلیل می کنید؟

ما بایستی این مسئله را جامع نگاه کنیم یعنی هم نگاه سیاسی هم نگاه امنیتی و هم نگاه حقوقی داشته باشیم. اگر نگاه ما صرفاً نگاهی حقوقی باشد کار کار درستی نبوده یعنی حقوق می گوید این کار را نکنید. طبق قانون بین الملل هر کشوری یک سفارتخانه ای دارد حالا هر کاری بخواهد بکند هم بکند می توانند طبق قانون برخورد با عنصر نامطلوب آن افراد را بیرون کنند اما حق این که آن سفارت را اشغال بکند ندارد. از لحاظ امنیتی اگر واقعاً سفارت آمریکا اشغال نمی شد انقلابی هم نمی ماند. چون تجربه از سال ۱۳۳۲ نشان داده بود و حتی در کشور های دیگر هم آمریکا این کار را کرده است یعنی سفارتخانه را تبدیل به یک جاسوس خانه کرده همانطور که اسنادش بیرون آمد. اگر از لحاظ سیاسی بخواهیم بررسی کنیم باز هم درست نبود چون که درعکس ها و فیلم ها نشان می دادند دانشجویان از دیوار بالا می رفتند و از آن سمت پایین می آمدند. این باعث شد که خیلی از کشور ها علیه ایران شوند. در دیوان داوری گفته شده بود «کلیه دعاوی که در این قضیه مطرح شده باشد یا نشده باشد» قابل بررسی است. عده ای رفتند به همین دیوان داوری که بین ایران و آمریکا مطرح شده بود شکایت کردند که اموال ما را در ایران مصادره کردند. اصلاً قرار نبود که دیوان داوری به این قضایا ورود کند و قرار بود در موارد دیگری مثل نفت و گروگان ها این دیوان ورود کند. اما چون این جمله را اضافه کرده بودند که «کلیه دعاوی که در این قضیه مطرح شده باشد یا نشده باشد» خب این قضیه مطرح نشده بود. فرد می رفته و می گفته من تابع آمریکا هستم و اموال مرا در ایران مصادره شده است و بعد ما می گوئیم چه کسی گفته تو تابع

آمریکا هستی و تو تابع ایرانی. آمریکا در پاسخ می گوید: قانون تو می گوید تابع من است قانون من هم می گوید تابع من است. خب هر کسی بتواند پنج سال در آمریکا بماند می تواند گرین کارت بگیرد یا حتی زودتر. خلاصه ادامه قضیه این می شود که می گویند شما اموال ما را مصادره کرده اید. بعد نهایتاً چه اتفاقی افتاد؟ آن جا و در این دیوان ایران کشور بد حساب بود و آمریکا کشور خوش حساب. دیوان حکم صادر می کرد و می رفتند پول از حساب ما بر می داشتند. خیلی ها اموالشان در ایران مصادره شده بود می رفتند به دیوان شکایت می کردند و اموالشان را بازیکی پس می گرفتند.

در آخر، سخن یا حرفی با دانشجویان و نسل جوان امروز اگر دارید بفرمایید؟

من از دانشجویان خواهش میکنم بروند و تاریخ ایران را بخوانند. کتاب های تاریخ ایران، تاریخ ملی شدن صنعت نفت، تاریخ کشور عثمانی که ذخایر و منابع زیادی را داشت مثل نفت و برق و گاز و... بروید بخوانید و ببینید چگونه این کشور را نابود کردند. دانشجویان اتفاقات اخیر سوریه را بخوانند که چگونه داعش ورود کرد به آنجا و خیلی ها را کشت. سخنان مقام معظم رهبری را گوش بدهند. ایشان سخنرانی داشتند که بحث اصلی شان امنیت بود و بدون امنیت نمی شود زندگی کرد. خلاصه دانشجویان عزیز کتاب های تاریخی و تاریخ ایران را بخوانند. دانشجویان خودشان متوجه می شوند که این ها چه کرده اند و آن موقع هست که هیچ وقت گول آمریکا را نمی خورند و اگر آن ها می گویند که همه چیز را به شما می دهیم هدف این است که امنیت ما را بگیرند. امنیت اگر نباشد نه جانی می ماند نه مال و نه نانی. ان شالله که موفق و موید باشید.

آیات عرصه

روایتی از
چهل سال سیره انقلابی
آیت الله خامنه‌ای
در عهد با انقلاب و ملت

شماره ۴: تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

■ آیات عهد، یک روایت تصویری ویژه از چهل سال فعالیتها و نقاط مهم عملکرد انقلابی حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای است که مخاطبان را با گوشه‌های بی نظیری از کنش‌های اثرگذار ایشان از آغاز پیروزی انقلاب و سی سال رهبری نظام اسلامی آشنا می‌کند.

■ شماره چهارم از این مجموعه به گوشه‌هایی از عملکرد حضرت آیت الله خامنه‌ای در جریان تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳۵۸ می‌پردازد. در این روند، از روایت چگونگی اطلاع یافتن ایشان از جریان تسخیر آغاز کرده‌ایم و به دنبال آن، ماجرای بازدید ایشان از لانه در فروردین ۱۳۵۹ و از بقایای تجهیزات منهدم شده متجاوزان آمریکایی در صحرای طبس در اردیبهشت همین سال را حکایت کرده‌ایم.



کلید مشکل، دست دولت آمریکا است...

بازدید لانه جاسوسی

دانشجوهای لانه خیلی دوست داشتند که سری به آنها بزنند. شورای انقلاب که علاقه‌ی دانشجویها را دید، آقای خامنه‌ای را به نمایندگی انتخاب کرد تا از لانه و وضع آمریکاییها بازدید کند. کارمند آمریکایی سفارتخانه خیلی سعی کرد که چیزی علیه دولتش نگوید. اما او هم ناچار شد در گفتگو با آقای خامنه‌ای اعتراف کند که محمدرضا پهلوی «مجرم» بود. در همه روزهای بعد از تسخیر، از اقدام دانشجویها دفاع کرده بود. به کارمند سفارت هم گفت: اگر محمدرضا مجرم است و دولت شما پناهِش داده، پس «کلید مشکل» دست دولت خود شماست؛ به قول امام، «دولت آمریکا باید آدم بشود».



خبر کوتاه بود...

مطلع شدن از تسخیر لانه جاسوسی

با آقای هاشمی برای انجام اعمال حج به مکه آمده بود. ساعت ۱۲ شب، روی پشت بام بعثه، رادیوی ایران را گرفته بودند تا از اوضاع کشوری اطلاع نباشند. خبر کوتاه بود: «جمعی از دانشجویها، سفارت آمریکا را تسخیر کرده‌اند.» غافلگیر شد. مشکوک بود. نکند چپ‌ها یا مجاهدین خلق این کار را کرده باشند. وقتی که گوینده‌ی خبر اعلام کرد دانشجویان تسخیرکننده خود را «پیرو خط امام» معرفی کرده‌اند، آقای خامنه‌ای مطمئن شد. وقتی امام هم حمایت کرد، دیگر حجت تمام شد؛ امام گفته بود: «دانشجوها خوب جایی را گرفته‌اند.»



ژنرالهای کارتر جزغاله شدند...

بازدید از بقایای تجهیزات نظامی ارتش آمریکا در طبس

دولت کارتر، که قاطعیت امام و انقلابیون را دید، گزینه نظامی‌اش را هم عملی کرد. قرار بود تکاورها بعد از توقیف کوتاه در طبس، برای آزادی جاسوسها به سمت تهران حرکت کنند. وقتی با مصطفی چمران، وزیر دفاع، آمد به طبس، ژنرالهای گزینه‌ی نظامی کارتر، از مکر طوفان شن، جزغاله شده بودند. شاه‌مرد، گزینه نظامی زمین خورد، و کارتر از فضاحت ۴۴۴ روز اسارت جاسوسهایش انتخابات را باخت. برای آقای خامنه‌ای، همه‌ی وقایع، تفسیر این آیه بود که در نماز جمعه هم برای مردم خواند: «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»